

پس از توافق در غزه برنامه هسته‌ای ایران به کدام سومی رود؟

به نظر می‌رسد مسیر هسته‌ای کنونی جمهوری اسلامی ایران بیش تر شبیه حرکتی محتاطانه و آرام در مسیری‌آشناسات تا جهشی به سوی ناشناخته‌ها؛ مجموعه‌ای از گام‌های تاکتیکی و قابل بازگشت که هدفشان خریدن زمان است، نه تغییر بنیادی پروژه. مدیر اندیشکده خاورمیانه در TRT مدعی شد؛ «مقام‌های ایرانی بی‌سر و صدا بررسی کردند که آیا می‌توان، اگر مذاکرات بر سر ذخایر غنی شده ی ۶۰ درصدی ایران پیشرفت کند، درباره تعویق کوتاه مدت در بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل موسوم به «اسنپ‌بک» در حاشیه نشست مجمع عمومی به توافق رسید. این پیشنهاد شامل مهلت ۴۵ روزه و حتی تماس مستقیم با طرف‌های آمریکایی بود، اما به نتیجه نرسید؛ مهلت تمام شد، جلسه برگزار نشد، و تحریم‌های سازمان ملل مطابق برنامه همراه با تحریم‌های تکمیلی از سوی واشنگتن و پایتخت‌های متحدان دوباره برقرار شدند. از دید آمریکا و اروپا، همان چارچوب‌های قدیمی هنوز ضروری تلقی می‌شوند؛ یعنی غنی‌سازی صفر، محدودیت قابل اعتماد در حوزه موشکی، و کنترل بر تأمین مالی متحدان منطقه‌ای. اما در تهران، همین خواسته‌ها به عنوان مطالبات تحمیلی خارجی و از این رو فاقد مشروعیت شناخته می‌شوند. سازوکار حقوقی «اسنپ‌بک» شامل بازگشت محدودیت‌ها بر تسلیحات، موشک‌ها، سفر و دارایی‌ها، به تنهایی سخت‌گیرانه است، اما برنده‌ترین اثرش سیاسی است. هر بار که چارچوب تحریم‌ها دوباره برقرار می‌شود، انگیزه مصالحه در هر دو طرف کمتر می‌شود و جناح‌هایی که به دیپلماسی بدبین‌اند، مدعی می‌شوند که حق با آنها بوده است.

◀ **ترسیم و حمله**

در سطح منطقه، اسرائیل همچنان احتمال حملات بیشتر علیه ایران را مطرح می‌کند، در حالی که پایتخت‌های خلیج فارس خود را برای درگیری‌های بارکنده و چرخه خسته‌کننده حملات و تلافی‌ها آماده می‌کنند. در داخل ایران، تحریم‌های تازه بر میزان نرخ ارز اثر گذاشته، اما مقام‌ها بر تاب‌آوری تأکید دارند و می‌گویند تصمیم‌های هسته‌ای همچنان در شورای عالی امنیت ملی گرفته می‌شود. در این چارچوب، چشم‌اندازهای محتمل چندان بلندپروازانه نیستند؛ با بحرانی کنترل شده در آستانه جنگ، با توافقی محدود و زمان دار که در آن ایران در برابر تعلیق هدفمند اجرای برخی تحریم‌ها و دریافت تخفیف اقتصادی محدود، سطح غنی‌سازی را متوقف کرده و دسترسی گسترده بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سر می‌گیرد. بر اساس رازبایی آژانس، تا اواسط ژوئن، بازرسان ذخایر ۶ درصدی ایران را حدود ۴۴۱ کیلوگرم برآورد کردند؛ که می‌تواند نگرانی غروب است، زیرا راستی آزمایشی میدانی از تابستان گذشته به دلیل حملات به تأسیسات هسته‌ای تقریباً متوقف شده است. آنچه هرگونه توافق بالقوه را محدود می‌کند، فقط ابزار فشار نیست، بلکه مرجع تصمیم‌گیری است. برخلاف پیش‌بینی‌های پس از جنگ دوازده روزه با اسرائیل، نهادهای عالی همچنان تعجب می‌گیرند که چه زمانی روزنه‌ای باز شود و چه زمانی بسته. هرگونه امتیازدهی چه برای بازگرداندن دسترسی آژانس یا حمایت از آتش بس، از سوی اطرافیان با عنوان «عقلانیت انقلابی» توجیه می‌شود، نه عقب‌نشینی. به همین ترتیب، عباس عراقچی وزیر خارجه نیز تأکید کرده هر چارچوب بازرسی تازه‌ای منوط به تصویب شورای عالی امنیت ملی است و روشن ساخته که از آنجا که اسنپ‌بک فعال شده، این ترتیبات تعلیق شده‌اند تا زمانی که تهران تصمیم بگیرد شرایط برای احیای آنها مناسب است.

◀ **بازرایی برای رقابت**

پس از آن که دونالد ترامپ هشدار داد آمریکا «زیاد منتظر نخواهد ماند» تا در صورت ازسرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران دوباره حمله کند، وزارت خارجه ایران پاسخ داد که این لحن به منزله انعقاد یک غیرقانونی بودن اقدامات واشنگتن است و اعلام کرد تهران قصد مذاکره تحت تهدید را ندارد. چنین موضعی باعث صلابت بیشتر جناح‌های تندرو در تهران می‌شود و همزمان فضای مانور برای تکنوکرات‌هایی که می‌کوشند مسیر ارتباط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا میانجی‌های منطقه‌ای را باز نگه دارند، محدودتر می‌شود. البته هیچ‌کدام از این تحولات در خلا استراتژیک رخ نمی‌دهد. در تهران، نشانه‌هایی از سازماندهی آرام برای رقابتی طولانی مدت، نه توافقی نهایی، دیده می‌شود. در عرصه خارجی، ایران همچنان بر استراتژی آشنای تکیه بر روسیه و به‌ویژه چین حساب باز کرده است، با این امید که آن دو بتوانند تیرتیرین لبه‌های فشار غرب را کند کنند. مسکو می‌تواند در سازمان ملل در نیرویوک رویه‌ای فراهم کند و تا حدی پوشش سیاسی بدهد؛ اما نه می‌تواند شبکه‌های دلاری را دوباره باز کند، نه بیهمه‌ها را احیا کند، و نه اگر به زبان منافع خودش تمام شود، اسرائیل را مهار کند. بکن از نظر مقیاس و ساختار متفاوت است، خرید نفت ایران را از مسیرهای غیردلاری سامان می‌دهد و از این طریق بخشی از درآمد ایران را حفظ می‌کند، اما در عین حال منافع اقتصادی بسیار بزرگ‌تری با کشورهای خلیج فارس و اسرائیل دارد، و حاضر نیست نظام مالی پیچیده‌ای را تأمین کند که برای رفع واقعی فشارها ضروری است. از نگاه تصمیم‌گیران در واشنگتن و بروکسل، دقیقاً همین نکته اهمیت دارد؛ بیشترین قدرت «اسنپ‌بک» نه در ابزار اقتصادی، بلکه در اثر مشروعیت آن بر بانک‌ها، کشتیرانی‌ها و شرکت‌های بیمه‌ی محیط نهفته است. نهادهایی که با بازگشت اقتدار سازمان ملل، عملاً دسترسی ایران را کاهش می‌دهند، حتی اگر مسکو و پکن به‌صورت علنی با این تدابیر مخالفت کنند. تهران، اسنپ‌بک را ابزاری برای اجبار خارجی می‌داند و بنابراین گام‌های قابل بازگشت را ترجیح می‌دهد. در مقابل، واشنگتن همان گام‌ها را تاکتایی می‌بیند مگر آنکه همراه با محدودیت‌های قابل راستی آزمایشی باشد که از ساخت بمب جلوگیری کند و منطق حملات مکرر را کاهش دهد. میان این دو منطق، تنها فضایی که می‌تواند به دوام واقعی منجر شود شکل می‌گیرد، جایی که ایران در ازای زمان و تخفیف هدفمند، زمان و شفاییت می‌دهد و غرب در ازای محدودیت‌هایی که قابل اندازه‌گیری، راستی آزمایشی و تداوم باشند، تعلیق موقت تحریم‌ها را می‌دهد. در غیاب چنین هماهنگی‌ای، وضعیت تعادل بره‌زنه‌ای خواهد بود؛ تحریم‌ها رشد اقتصادی را فرسوده می‌کنند، حملات متناوب بازدارندگی را از نو تنظیم می‌کنند و نظام‌های سیاسی هر دو طرف، سرسختی را پیش می‌گیرند نه مصالحه را. در نتیجه، تداوم و نه تحول، رخ خواهد داد.

محمد رضا سبزعلی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت نیازمند راهبردی

منسجم و هدفمند است



اقتصاد ایران بدون تنش‌زدایی از بحران عبور نمی‌کند

ترامپ به دنبال توافقی با ایران است که به سود آمریکا باشد

ترامپ به دنبال مشروعیت بخشی به فشارهای بیشتر به ایران است

آرمان ملی - احسان انصاری: در شرایط کنونی آینده روابط ایران و آمریکا، احتمال اقدامات نظامی، نقش ترامپ در تنش‌های اخیر، چشم‌انداز اقتصادی کشور و عملکرد دولت چهاردهم کلیدواژه‌های تغییر در جامعه ایران هستند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با دکتر محمد رضا سبزعلی پور

◀ **هدف ترامپ از طرح مجدد موضوع مذاکره با ایران چیست؟ چرا ترامپ هم ایران را تهدید می‌کند و هم پیشنهاد مذاکره می‌دهد؟**

هدف رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ، از مطرح کردن مجدد موضوع مذاکره با ایران، در درجه اول حفظ فشار حداکثری بر ایران و ایجاد شرایطی است که به نفع منافع راهبردی ایالات متحده باشد. ترامپ همواره سیاست «فشار حداکثری» را دنبال کرده و طرح مذاکره، نوعی ابزاری برای تحت فشار قرار دادن ایران در عرصه بین‌المللی است. از سوی دیگر، این طرح‌ها معمولاً با هدف کسب امتیازات سیاسی داخلی و تقویت موقعیت آمریکا در منطقه مطرح می‌شوند بدون آنکه تغییر بنیادینی در رویکرد یا سیاست‌های واشنگتن نسبت به ایران ایجاد شود. بنابراین باید گفت که پیشنهاد مذاکره در چارچوب کلی سیاست فشار و تحریم‌های اقتصادی قرار دارد و هدف اصلی آن، دست یافتن به توافقی است که به نفع منافع آمریکا باشد نه لزوماً برقراری روابط سازنده و پایدار با ایران. از طرفی دیگر آمریکا به ویژه ترامپ با استفاده از مذاکرات ظاهری، در تلاشند تا با بهره‌برداری از ظرفیت‌های گسترده منابع غنی طبیعی و اقتصادی ایران بنوعی تسلط و نفوذ عمیق‌تری در منطقه و اقتصاد کشورمان دست پیدا کنند. این هدف در واقع، فراتر از صرفاً مذاکرات سیاسی بوده و به دنبال کنترل منابع و دست‌اندازی به منافع ملی ایران است. در عین حال لازم است اشاره شود که در میان مردم ایران و بخش‌های مختلف سیاسی، از جمله جناح اصلاح‌طلب، تمایل قابل توجهی برای کاهش تنش‌ها و ایجاد رابطه‌ای سازنده با آمریکا وجود دارد. واقعیت این است که اگر مذاکرات و رابطه با آمریکا با حفظ منافع ملی و منطق قوی دنبال شود می‌تواند فرصت‌های مهمی برای کشور ایجاد کند. رفع تحریم‌ها و بازگشت ایران به بازارهای جهانی نفت، رشد قابل توجه درآمد‌های رایز در دنبال خواهد داشت که می‌تواند به بهبود اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها و ارتقاء سطح رفاه مردم کمک کند. همچنین کاهش تنش‌ها می‌تواند شرایطی فراهم آورد تا ایران در تعامل با سایر کشورها نیز موقعیت بهتری کسب کند و مسیر توسعه پایدار را هموارتر سازد. بنابراین نگاه ما به مذاکرات، هم واقع‌بینانه و هوشمندانه است و هم با درک عمیق از منافع و نگرانی‌های مردم. تأکید داریم که هرگونه رابطه با آمریکا باید بر پایه حفظ استقلال، عزت ملی و منافع بلندمدت کشور باشد تا بتواند به شکوفایی و ثبات سیاسی و اقتصادی ایران منجر شود. ترامپ با بازگشت به قدرت، رویکردی به ظاهر دیپلماتیک اما در باطن فشارمحور را در پیش گرفته است. طرح مجدد موضوع مذاکره، بیشتر از آنکه نشان‌دهنده تمایل واقعی وی به توافق داشته باشد، تلاشی برای مدیریت افکار عمومی، تحکیم جایگاه داخلی خود در آمریکا و همچنین آماده‌سازی بستر برای امتیازگیری بیشتر از ایران است. وی بدنبال این است که با مطرح کردن مذاکره، ایران را در موقعیت تصمیم‌گیری سخت قرار دهد یا وارد گفت‌وگو با پیش‌شرط‌های سنگین شود و هزینه‌های تنش بیشتر را بپذیرد. این یک تله سیاسی- رسانه‌ای است که هدفش اعمال فشار و نه رسیدن به توافقی متوازن است. با این حال در میان تمام تهدیدها و فشارها، نمی‌توان منکر این مهم شد که گفت‌وگو، در صورت طراحی زیرکانه و با حفظ منافع ملی، می‌تواند موجب رفع تدریجی فشارها، کاهش تهدیدات منطقه‌ای و گشایش در عرصه اقتصادی شود.

◀ **آیا ترامپ در حال آماده‌سازی افکار عمومی جهان برای افزایش تنش نظامی با ایران است؟**

در این زمینه می‌توان چندنایله سابقه رفتاری ترامپ، اهداف استراتژیک آمریکا، فضای بین‌المللی و واقعیت‌های داخلی ایران را مورد توجه قرار داد. بله، متأسفانه نشانه‌های روشنی از آن وجود دارد. ترامپ از طریق رسانه‌ها، متحدان منطقه‌ای مانند اسرائیل و فشارسازی‌های سیاسی در حال القای این تصور است که ایران یک تهدید جدی برای صلح جهانی است! این اقدام، با هدف مشروع جلوه‌دادن فشارهای آتی یا حتی اقدامات نظامی محدود طراحی شده است. با نگاهی به رفتارهای سیاسی و رسانه‌ای دونالد ترامپ به‌ویژه در دوران پیشین ریاست جمهوری‌اش، می‌توان دریافت که او همواره سعی داشته با ایجاد فضاهای پر تنش، امتیاز سیاسی یا اقتصادی بگیرد، البته الزاماً در پی آغاز درگیری نظامی تمام عیار نمی‌باشد. اکنون نیز به نظر می‌رسد که طرح خواسته‌های حداکثری از سوی ترامپ علیه ایران، بخشی از یک سناریوی بزرگتر برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی و آماده‌سازی افکار عمومی برای تحرکات بعدی است، تحرکاتی که ممکن است در قالب تشدید تحریم، افزایش عملیات روانی یا حتی تهدیدات نظامی ظاهر شود اما لزوماً به معنای تصمیم قطعی برای آغاز جنگ نیست. ترامپ می‌داند که هرگونه اقدام نظامی مستقیم علیه ایران، نه تنها تبعات گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی خواهد داشت بلکه ممکن است به همسنگی داخلی در ایران و انسجام بیشتر در جبهه مقاومت منجر شود؛ موضوعی که برخلاف اهداف آمریکا در زمینه بی‌ثبات‌سازی منطقه است. با این حال نباید فراموش کرد که بخشی از سیاست ترامپ همواره بر ایجاد «هراس راهبردی» در میان افکار عمومی جهان و کشورهای منطقه استوار بوده است. او تلاش



رئیس مرکز تجارت جهانی ایران گفت‌وگو کرده است. سبزعلی پور با نگاهی واقع‌گرایانه و تحلیلی، راه برون رفت ایران از بن‌بست اقتصادی را در تنش‌زدایی، دیپلماسی فعال و اصلاح درونی دولت می‌داند. در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

احترام متقابل بوده و خواهد بود.

◀ **فشارهای اقتصادی به مردم به چه میزان افزایش پیدا خواهد کرد و آیا میزان تاب‌آوری مردم مانند گذشته است؟**

وضعیت اقتصادی کشور در شرایط کنونی، به‌درستی در موقعیتی پیچیده و چند وجهی قرار دارد. مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی، از جمله تحریم‌های سنگین آمریکا، ضعف در مدیریت اقتصادی، ناکارآمدی نظام بانکی، محدودیت‌های صادراتی و بحران‌های ارزی، بحران اعتماد عمومی موجب شده که رکود تورمی، بیکاری پنهان و کاهش قدرت خرید، موجب فشار مضاعف بر معیشت مردم و ایجاد فضای بی‌ثبات در بازارها شده و شرایط دشواری برای مردم ایجاد کند. اما در دل این بحران‌ها، فرصت‌هایی نیز وجود دارد. اگر تنش‌زدایی منطقه‌ای، مذاکره با آمریکا، رفع تحریم‌ها و مدیریت صحیح منابع کشور در دستور کار دولت قرار گیرد، می‌توان اقتصاد را از رکود خارج و به مسیر ثابت بازگرداند. این فشارها نه تنها بر سفره مردم تأثیر گذاشته بلکه اعتماد عمومی به برخی ساختارهای اقتصادی را نیز کاهش داده است. در چنین شرایطی، نگرانی نسبت به آینده کاملاً قابل درک است و پیش‌بینی بسیاری از کارشناسان، ادامه روند رکود تورمی در کوتاه‌مدت است، مگر این‌که تحولی جدی در سیاست‌گذاری‌ها رقم بخورد. با این حال، باید به این نکته مهم توجه داشت که اقتصاد ایران با همه چالش‌هایی که دارد، همچنان از ظرفیت‌ها و منابع بزرگی برخوردار است. منابع عظیم انرژی، نیروی انسانی تحصیل کرده و جوان، موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز و توانمندی در بخش‌هایی مانند کشاورزی، معدن، خدمات و فناوری، نشان می‌دهد که اگر فضای اقتصادی با رویکردی علمی، شفاف و متصل به دیپلماسی فعال مدیریت شود، می‌توان افق متفاوتی ترسیم کرد. مهم‌تر از همه، بازگشت به عقلانیت اقتصادی، اصلاح روابط خارجی، احیای اعتماد عمومی و مبارزه واقعی با فساد، می‌تواند اقتصاد کشور را به سمت فصلی خارج کرده و به سمت رونق و ثبات هدایت کند. مع الوصف، در پاسخ به این پرسش که چشم‌انداز کشور چگونه است، باید گفت: اگر رویکردها و تصمیمات کلان تغییر نکند، ادامه وضعیت موجود محتمل است. اما اگر اراده‌ای جدی برای اصلاحات اقتصادی و سیاسی به‌ویژه در حوزه تعاملات بین‌المللی شکل بگیرد، چشم‌انداز آینده می‌تواند روشن‌تر و امیدوارکننده‌تر از وضعیت فعلی باشد.

*تحلیل شما از نوع کنش‌گری پزشکیان و دولت چهاردهم در مقابل بحران‌های کنونی چیست؟
کنشگری دکتر پزشکیان اگرچه در مواردی نشان دهنده دغدغه‌مندی و صداقت ایشان است اما تاکنون در سطح راهبردی نتوانسته منسجم و هدفمند باشد. سیاست‌ورزی در شرایط بحرانی، نیازمند تیمی هماهنگ، کارآمد و دارای قدرت تحلیل و اجرت است. متأسفانه دولت چهاردهم درگیر یک ناهماهنگی درونی است. ترکیب وزرا و مسئولین، از انسجام لازم برخوردار نیست و برخی از اعضای دولت از توان مدیریتی یا تجربه لازم برای اداره دستگاه‌های بزرگ برخوردار نیستند. این نابرابری در سطح دولت، عملاً بخشی از مشکلات کشور را تشدید کرده است. اگر دولت نتواند با بازسازی درونی و استفاده از نیروهای متخصص، خود را به شرایط بحرانی تطبیق دهد، فاصله آن با مطالبات مردم بیشتر خواهد شد و در نتیجه، سرمایه اجتماعی بیشتری از دست خواهد رفت. در شرایط بحرانی فعلی کشور، کنش‌گری شخصیت‌های کلیدی سیاسی مانند آقای پزشکیان و دولت چهاردهم، نقش بسیار مهمی در مدیریت بحران‌ها و شکل‌دهی فضای عمومی دارد. آقای پزشکیان، به عنوان یکی از چهره‌های مطرح و با سابقه در عرصه سیاست ایران، تلاش کرده است با بیان نظرات خود، صدای بخشی از جامعه و نهاد‌های مختلف را منعکس کند و به نقد برخی رویکردها بپردازد. این نوع فعالیت می‌تواند در شرایط بحرانی مفید باشد، بشرط آنکه در راستای تقویت وحدت ملی و همگرایی عمل کند، نه ایجاد دو قطبی‌های سیاسی یا اختلافات عمیق‌تر. دولت چهاردهم نیز در مواجهه با بحران‌های متعدد از جمله فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و مسائل منطقه‌ای، مسئولیت بزرگی بر دوش دارد. در عین حالی که برخی سیاست‌ها و اقدامات مثبت قابل توجهی از طرف دولت دیده می‌شود، اما نقاط ضعف و چالش‌هایی نیز در مدیریت، هماهنگی بین دستگاه‌ها و ارتباط موثر با مردم وجود دارد. از جمله انتقاداتی که می‌توان به دولت وارد دانست، عبارتند از: نبود شفافیت کامل در تصمیم‌گیری‌ها و اطلاع‌رسانی به موقع و صادقانه به مردم، ضعف در هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و ناهماهنگی در اجرای سیاست‌ها. کم‌توجهی به ظرفیت‌های مردمی و استفاده ناکافی از تجربه و خرد جمعی در مدیریت بحران‌ها. گاهی عدم پاسخگویی کافی در برابر انتقادات و مسائل پیش آمده که باعث کاهش اعتماد عمومی شده است. با این حال، باید تأکید کرد که شرایط پیچیده و فشارهای گسترده، مدیریت امور را بسیار دشوار کرده و هر نقدی باید در چارچوب سازنده و راهگشا باشد. انتظار می‌رود که همه فعالان سیاسی، دولت و نهاد‌های ذیربط با همدلی و تمرکز بر منافع ملی به بهبود شرایط کمک کنند.

◀ **افزایش تحریم‌ها، احتمال اقدام پیش‌دستانه ایران علیه اسرائیل به چه شکل است؟**

این سوال از حساس‌ترین و راهبردی‌ترین پرسش‌هاست که ذهن همه مردم و مسئولین را به خود مشغول کرده